

روحانی خانواده و پزشک خانواده

محمد حسن نبوی

چندی است که طرح پزشک خانواده در کشور مطرح شده و مراحل ابتدایی آن نیز در شرف انجام است تا سلامت فیزیکی و جسمانی جامعه، بیش تر مورد توجه مسئولان امر بهداشت قرار گیرد؛ اما اهمیت دادن به سلامت روانی و معنوی در جامعه اسلامی به مراتب از توجه به سلامت جسمی مهمتر است. در جامعه ای که تقریباً تمامی افراد آن مسلمان هستند، نیاز است در کنار اجرای طرح پزشک خانواده، طرح روحانی خانواده نیز تعریف و اجرا شود تا افراد به تبیین و بهبود مشکلات معنوی خود بپردازند به همین بهانه ذکر اهمیت، مشابهتها و تفاوت این دو نیاز می پردازیم.

تشخیص بیماریهای معنوی

تحقیقات زیادی بر روی پیچیدگی های جسم و روح و روان انجام شده است، پیچیدگیهای روان انسان از شگفتیهای جسم اوفوق العاده متنوع تر و گسترده تر است.

مباحث مربوط به معنویت انسان پیچیده تر از مسایل روانی است، بُعد معنویت انسان فوق العاده گسترده است و لایه های فراوانی دارد، تشخیص بیماریهای جسمی در مجموع راحت است؛ اما تشخیص بیماریهای روانی پیچده تر از تشخیص بیماریهای جسمی است و تشخیص بیماریهای معنوی در انسان ها پیچیده تر از بحثهای روانی است

احساس نیاز به درمان دردهای جسمی ملموس تر از دردهای روانی است. دردهای روانی نسبت به دردهای معنوی و احساس نیاز به رفع آن برای انسان ها ملموس تر است، اگر فردی استخوان انگشتش بشکند درد احساس می کند، اما اگر فردی دچار بیماری روانی مانند افسردگی بشود مشکل تر از شکستن انگشت قابل فهم است.

در مسایل معنوی درک درد و نیاز به پزشک معالج خیلی کمتر است؛ فرد دیرتر متوجه بیماری روحی و معنوی خود می شود، ممکن است کسی در طول عمرش از حسد رنج برد، اما آن مقدار که در جسمش منعکس شود، حس می کند و آثار مخرب معنوی که ایمانش را آتش می زند، درک نمی کند. بیماریهای معنوی تقریباً بسیار سخت مشخص می شود، مگر کسانی که اهل معنویت هستند، چرا که آنها درد را خوب می فهمند.

مدیران و درمان بیماری معنوی

مربیان و مدیوان در نظام اسلامی (که بر پایه معنویت استوار است)، نباید احساس دردشان مثل عموم مردم باشد، مربیان جامعه باید به بیماری های معنوی جامعه توجه داشته باشند و به درمان آن بیندیشند

اگر بگویم جامعه ای که حداقل مرگ و میر و آسیبهای جسمی را داشت جامعه ای مطلوب است، این با جامعه غیرالهی نیز سازگار است و کفار و منافقین و افراد فاسق هم دنبال این آرمان هستند که بیماریهای جسمی جامعه خود را کاهش دهند، درمان بیماریهای جسمی، از جمهوریت نظام است اما از اسلامی نظام انتظار

درمان بیماریهای معنوی انسانهاست

مدیران جامعه اسلامی باید بالاترین حساسیتی را نسبت به درمان بیماری معنوی داشته باشند؛ اگر مدیران نظام اسلامی، جامعه مرفهی ایجاد کردند اما هم ه کافر بودند، این جامعه به هیچ وجه مطلوب نیست و باید نظام اسلامی به حیث اسلامیتش به دنبال این بگردد که بیماری های معنوی جامعه را تشیی و نسبت به رفع این بیماریها همت گمارد.

وضعیت امروز جامعه به گونه ای است که در نظام اسلامی اهتمام به ت آمین روحانی عمومی نیز به جد صورت نمی گیرد، چه رسد به تأمین روحانی خانواده و روحانی تخصصی

در مسایل پزشکی، پزشک عمومی، پزشک تخصصی و پزشک فوق تخصص داریم و وقتی که پزشک به حد کافی در کشور وجود دارد، می گویند که پزشک خانواده داشته باشیم تا به جسم انسانها موفق تر سرویس دهی کند، اما ما هنوز در تأمین روحانی و مبلّغ عمومی دچار مشکل هستیم

ما نیز باید روحانی تخصصی داشته باشیم تا نظریات اسلام را در محورهای علوم انسانی تبیین کنند و نیازهای تخصصی مردم، دختران و پسران، متأهلین و مجردها، اصناف مختلف اجتماعی و مشاغل گوناگون را در بحهای معنوی پاسخگو باشند، بعد از این مرحله باید به این سمت حرکت کنیم که روحانی خانواده داشته باشیم ما به خمیی می دانیم که فاصله تا تشکیل روحانی خانواده بسیار است و جمهوری اسلامی اگر بخواهد به جایی برسد و در مقابل افها مصون بماند، نیاز دارد که این مراحل را بگذراند و روحانی خانواده را همر نهایت داشته باشد

ویروسها و تهدید اعتقادات مردم

ما در مسایل معنوی چند حوزه کاری داریم، یک حوزه پیش گیری از انتقال ویروس به انسانهاست، مرحله دیگر این است که مسك معنوی را به افراد آموزش بدهیم و مرحله سوم تربیت دینی و اسلامی مردم است
روحانی با این سه حوزه در تمام خانوادهها و تک تک افراد سر و کلو دارد، مرحله اول انتقال ویروسهایی است که برای معنویت انسانمضر و گاهی مهلك است، این ویروسها به دو دسته ویروسهای اعتقادی و اخلاقی تقسیم می شوند، ویروسهای اعتقادی از شبهاتی که در زمینه شناخت شناسی وجود دارد تا اثبات وجود و یگانگی خدا، اثبات عدالت الهی، نبوت، امامت و معاد اعتقادات انسانها را مورد هجمه قرار می دهند، بخش دوم ویروس های اخلاقی است که تفكّ رات و عادات و رفتارهای ضد اخلاقی از رسانه های مختلف به مخاطبان منتقل می شود.

این دو دسته ویروس هوسیلّ کلفی رسانه ها قابل انتقال به مخاطبان است ؛ ماهواره و اینترنت زمین ه گسترده ای برای انتقال ویروس ها هستند و بخشی به گفتمان کوچه و بازار، هوسهای بی پایان، شعلورسازی شهوات و امیال نفسانی و رفتارهای ضد ارزشی تبدیل می شود و همؤ اقشار را تهدید می کند و نیاز است که پزشکانی برای خانوادهها باشد تا به راحتی و با فراغت بال نیازها و مشکلات خود را با این مبلّغان در میان بگذارند.

حتی اگر هیچ ویروس و تهدیدی نباشد، یک فرد مسلمان باید آموزش ببیند و قرائت قرآن و نماز او صحیح باشد و اعتقادات و تفسیر قرآن باید به آحاد جامعه آموزش داده شود

تربیت غیر از آموزش است

آموزش راستگویی در ۴ دقیقه انجام می شود، اما مربی باید آنقدر بر روی این فرد کار کند تا واقعاً راستگو تربیت شود و به هیچ وقت دروغ نگوید، به طور مثال آموزش فنون کشتی در طول یک هفته شاید قابل آموزش باشد اما مربی باید کشتی گیر را به گونه ای تربیت کند که فنون کشتی و فنون بدل یاد گرفته با سرعت تمام به طور سریع در مورد حریف اجرا کند و این همان معنای واقعی «تربیت» است، مربی باید تمام آموزشها را در وجود فرد تبدیل به رفتار کند که بطور طبیعی آموزشها را در رفتار خود نشان دهد.

تربیت دینی افراد مراحل زیادی دارد، گفتن شهادتین اولین مرحله است، مراتب تربیت بسیار بسیار متفاوت است و میباید بتواند هر فرد را در شرایطی که هست یک گام جلوتر ببرد، روحانی باید دست مردم را گرفته و گام به گام جلو ببرد تا فرد به یکی از اولیای الهی تبدیل شود

همه برای طرح روحانی خانواده اقدام کنیم

وظیفه اول مبلّغ و روحانی خانواده مبارزه با ویروس های اعتقادی و اخلاقی و رفتاری است. وظیفه روحانی خانواده در مرحله دوم آموزش دین و در مرحله سوم ارتقای معنویت انسان در سیر قرب الی الله است، اگر این سه مرحله اتفاق بیفتد تربیت دینی اتفاق افتاده است

بخشی از آموزشهای عمومی در مساجد و مدارس و دانشگاه و صدا و سیما انجام می شود، اما مردم درگیر مسایل ریزی در هر سه حوزه هستند که نمی توانند با آموزشهای عمومی مشکل خود را حل کنند

برای تشخیص بیماری باید فرد بیمار به پزشک مراجعه کند و نمی توان با آموزشهای عمومی از طریق صدا و سیما، بهاری را تشخیص داد، چه رسد به بیمارهای معنوی که خیلی پیچیده تر از بیماریهای جسمی است، خانواده ها باید بتوانند با فراغت بال، مشکلات معنوی شان را با روحانی مطرح کنند، مرد در کسب و کار و ارتباط در مغازه و حرفه خود نیاز به مشورت روحانی دارد و زن در مسایل تربیت فرزند و ارتباطات خانوادگی خود و در ارتباط با شوهر و اقوام خود، نیاز به مشورت دارد یک جوان ممکن است ویروس اعتقادی بگیرد و به کل خانواده منتقل کند این نیاز دارد تا با مراجعه به یک روحانی آن را درمان کند، آموزشهای خصوصی برای خانواده ها یک کار ضروری، تخصصی و لازم است و حقیقتاً باید مردم این امکان را داشته باشند که از یک روحانی در زمان خاص برای خانواده خود استفاده و مشکلات شان را مطرح کنند

نکته پایانی

استفاده از روحانی خانواده مهمتر از پزشک خانواده است. درک این نیاز برای غالب مردم خیلی روشن نیست، اما درک آن برای مسئولان نظام خیلی دشوار نیست و اگر مردم هم خیلی بیان مشکل نکنند، مدیران جامعه و رهبران نظام جمهوری اسلامی باید به این موضوع به طور جدی توجه کرده و برای ایجاد مبلّغ و روحانی خانواده برنامه ریزی کنند.